

آیات قرآن و سیمای امام مهدی (ع)

نسیبه علمایی*

چکیده

برخی معتقدند هیچ یک از آیات قرآن در مورد امام زمان (ع) نازل نشده ولی با بررسی تأویلی و برداشت کلی از آیات و روایات موجود در مصادر شیعی به بیش از صد آیه که در مورد شاکله و شخصیت گرانمایه آن حضرت و ظهور ایشان تصریح نموده اند، مواجه می گردیم.

قرآن کریم حقیقت شاکله ایشان را با تعبیری چون منذر، هادی، مهدی، منصور، بقیة الله، ناظر اعمال، داعی، حق و غیره معرفی نموده و همچنین شخصیت واقعی علمی امام همام را به راسخ در علم و علم ایشان را به ماء معین توصیف نموده است.

وعده هایی مانند ظهور موعود و انقلاب جهانی، انتشار و گسترش اسلام در جهان، پیروزی حق بر باطل، برپایی عدالت و ایجاد صفا و صمیمیت در جوامع اسلامی، نجات بشریت از کفر، جهل، ظلم و بیداد و غیره در قرآن کریم آمده است.

این نوشتار در صدد بررسی برخی از آیات که پیرامون موضوع امام زمان در قرآن مجید و روایات مذکور در منابع شیعی است .
کلیدواژه ها : قرآن ، امام زمان (ع) ، بررسی تأویلی ، روز قیام ، حکومت جهانی .

مقدمه

«قرآن کریم» و «سنت نبوی» دو شجره طوبای بر آمده از یک ریشه مبارک اند و هر دو متعلق به یک قانون گذار . بی تردید قرآن مجید ، اعتقاد مسلمانان به ایده ظهور مهدی (ع) را که از رسول اکرم (ص) متواتر بوده ، با مجموعه ای از آیات شریفه تأیید کرده است ؛ آیاتی که بسیاری از مفسران آنها را بر امام مهدی (ع) تطبیق کرده اند که ظهورش در آخرالزمان نوید داده شده است . هرگاه مطلبی از پیامبر (ص) متواتر گردد ، ناگزیر باید پذیرفت که قرآن حکیم آن را یک سره مسکوت نگذاشته است ، هر چند عقول ما به سادگی آن را در نیابد ؛ زیرا خداوند متعال در وصف قرآن می فرماید : «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (النحل، ۱۶/ ۸۹) ؛ «و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم» .

بنابراین استخراج این عقیده از آیات مبارکه بر عهده کسی است که حقایق قرآنی را با فهمی در خور آن ، درک کند و تردیدی نیست که بنا بر نص حدیث شریف ثقلین که نزد همه مسلمانان متواتر است ، «أهل البيت (ع)» همتا و کفو قرآنند . از این رو ، باید آیاتی را که ایشان بر ظهور مهدی (ع) حمل کرده اند ، دلیل قرآنی ایده مهدویت به شمار آوریم .
در این زمینه احادیث فراوانی از حضرات ائمه (ع) نقل شده است که در آنها آیات بسیاری بر حضرت مهدی (ع) و موضوع های مرتبط با آن حضرت تطبیق شده است . البته در نوشتار حاضر بخشی از این احادیث را ذکر می کنیم .
ارتباط و پیوند این مسایل با بحث مهدویت توسط آیات و روایات در متن مقاله به تفصیل شرح داده شده است .

هدف کلی این پژوهش ، آشنایی بیشتر با کم و کیف روایاتی است که در مصادر روایی به تفسیر یا تأویل آیات شریفه قرآن در زمینه مهدویت پرداخته اند . در ذیل به برخی از سؤال ها که پاسخ آنها اهداف جزئی پژوهش را در بر می گیرد اشاره می کنیم :

آیا آیاتی در مورد امام زمان در قرآن وجود دارد؟ از دیدگاه روایات تفسیری شیعه چه

تعداد از آیات قرآن مربوط به امام مهدی (ع) و مسائل مرتبط با آن حضرت می باشد؟
قبل از بررسی آیات و روایات تاویلی در مورد مهدویت به بررسی اصطلاح ها
می پردازیم؛

الف : معنای سیما؛ سیما در لغت به دو معنای یکی چهره و قیافه و دوم علامت و
هیئت است.^۱

عنوان مقاله حاضر بررسی تاویلی در مورد سیمای امام زمان است و آن یعنی: بررسی
باطنی و تاویلی آیات در مورد چهره، شخصیت و ویژگی های امام زمان (ع) است.
ب : معنای تاویل؛ از آنجا که در بسیاری از روایات تفسیری علاوه بر تفسیر آیه، به
تاویل آن نیز اشاره شده است یا این که فقط تاویل آیه را بیان کرده اند و با عنایت به این که
واژه تاویل از واژه هایی است که در بین محققان دارای معانی مختلفی است، در این
بخش به بررسی واژه تاویل پرداخته و مشخص خواهیم کرد که مقصود ما از واژه تاویل در
این مقاله کدام یک از معانی آن است.

۱. معنای لغوی تاویل: در تهذیب اللّغة آمده است: «أول» یعنی: رجوع؛ و «آل یؤوله
إیالة» یعنی او را سیاست و تأدیب کرد.^۲

این فارس در مقایس اللّغة آورده است: «أول»، دارای دو اصل است: ۱. ابتدای
أمر، که واژه «أول»، به معنای ابتدا از این اصل است؛ ۲. انتهای أمر، تاویل کلام به
معنای عاقبت و سرانجام کلام، از این باب است.^۳

این اثر در النهایة، بعد از ذکر معنای رجوع برای «أول»، می نویسد: مراد از تاویل،
برگرداندن ظاهر لفظ از معنای اصلی است، به معنایی که دلیلی بر آن قائم است، که اگر
آن دلیل نباشد، نباید از معنای ظاهری لفظ دست کشید.^۴

با توجه به آنچه از کتب لغت نقل شد، مجموعاً چهار معنا برای تاویل ارایه شده
است: ۱. مرجع و عاقبت؛ ۲. سیاست کردن؛ ۳. تفسیر و تدبیر؛ ۴. انتقال از معنای
ظاهری لفظ به معنای غیرظاهر.

در میان معانی چهارگانه مذکور، آنچه می تواند در تاویل کلام کاربرد داشته باشد،
معنای اول، سوم و چهارم است و معنای دوم به تاویل کلام ارتباطی ندارد.

۲. معنای اصطلاحی تاویل: این واژه هفده مرتبه، در هفت سوره و پانزده آیه از قرآن

کریم به کار رفته است .

این کاربردها را می توان به صورت زیر خلاصه کرد :

تأویل قول : « آیات سوره های آل عمران ، ۷/۳ ؛ الاعراف ، ۷/۵۳ ؛ یونس ، ۱۰/۳۶ که درباره قرآن است » .

تأویل فعل : « آیات سوره های النساء ، ۴/۵۹ ؛ الإسراء ، ۱۷/۳۵ ؛ کهف ، ۱۸/۷۸ و ۸۲ » .

تأویل رؤیا : « آیات سوره یوسف ، ۱۲/۶ ، ۲۱ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ » .

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی پیرامون معنای تأویل در این آیات نظریات گوناگونی داده اند .^۵

در مجموع اگر بیان مصادیق خارجی آیات را جزء معانی باطنی آیات در نظر بگیریم می توان گفت واژه تأویل به معنای تبیین معانی باطنی و مصادیق مختلف آیات قرآن کریم می باشد و این همان معنایی است که در این مقاله از این واژه مد نظر است .

در بسیاری از روایات تفسیری در زمینه مهدویت تأویل های مختلفی از آیات قرآن ارایه شده که این تأویل ها شامل موارد ذیل است :

الف : گاهی آیه شریفه دارای مصادیق فراوانی در خارج بوده و بر همه آنها منطبق می شود که یکی از این مصادیق مربوط به بحث مهدویت می شود ؛ و یا تحقق مفاد آیه شریفه بر دوران های مختلفی قابل انطباق است که یکی از این دوران ها مربوط به دوره امام مهدی (ع) می باشد . روایات تفسیری شیعه در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء ، تحقق و وقوع مفاد آیه مذکور در دوران رجعت دانسته شده است .

خداوند سبحان می فرماید : « وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا » (النساء ، ۴/۱۵۹) ؛ « و از اهل کتاب ، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود ، حتماً به او ایمان می آورد و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود » . برخی از مفسرین گفتند : ضمیر « به » و « قَبْلَ مَوْتِهِ » هر دو ، به حضرت عیسی (ع) برمی گردد . طبق این تفسیر ، حضرت عیسی (ع) هنوز زنده است و پس از فرود آمدن از آسمان در آخرالزمان ، همه اهل کتاب اعم از یهودی و مسیحی به او ایمان می آورند . طبری در

تفسیرش شانزده روایت از صحابه و تابعین نقل کرده که آیه شریفه مورد بحث را به این صورت تفسیر کرده اند^۶؛ و دسته ای از روایات حکایتگر ایمان همه اهل کتاب به رسول خدا(ص) در لحظه مرگ است، در این روایات، ضمیر «به» به رسول مکرّم اسلام(ص) و ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به اهل کتاب برمی گردد. طبق این تفسیر، همه یهود و نصارا در لحظه مردن، به حقیقت نبوت رسول اکرم(ص) پی برده و ایمان می آورند، ولی این ایمان برای آنها سودی ندارد؛ زیرا در آن لحظه، زمان تکلیف سپری شده است. دو روایت در تفسیر طبری آمده که آیه مورد بحث را چنین تفسیر کرده اند.^۷

و دسته دیگر بیانگر ایمان همه مردم به رسول خدا(ص) در زمان رجعت است، تنها یک روایت است که تأویل آیه شریفه مورد بحث را در دوران رجعت رسول مکرّم اسلام(ص) دانسته و تصریح می کند که در آن زمان همه مردم به ایشان ایمان خواهند آورد. این روایت در تفسیر قمی چنین نقل شده است: درباره آیه شریفه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...» روایت شده هنگامی که رسول خدا(ص) رجعت کند همه مردم به او ایمان می آورند.^۸

ب: ممکن است آیه شریفه دارای مصادیق مختلفی باشد یا مفاد آیه بر دوران های متفاوتی منطبق باشد اما مصداق اتم و اکمل آن توسط روایات تفسیری بر امام مهدی(ع) و مسائل مرتبط با آن حضرت انطباق یافته است. به عنوان نمونه دسته دوم روایات تفسیری شیعه در ذیل آیه: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۴/۶۹) این چنین می باشند که توضیح آن در این مقال آمده است.

ج: گاهی نیز مصداق و تحقق عینی مفاد آیه منحصر به دوران امام زمان(ع) است که روایات تفسیری به بیان این مطلب پرداخته اند؛ از جمله این موارد روایات تفسیری شیعه در ذیل آیه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۳۳/۹) می باشد که تحقق این آیه را در زمان ظهور و خروج مهدی موعود(ع) برشمرده است.^۹ بنابراین اگر در این مقاله مشاهده می شود که بسیاری از روایات تفسیری به تأویل آیات پرداخته اند منظور از تأویل، یکی از موارد سه گانه مذکور است. بر این اساس در قرآن، آیه ای که به صراحت اسم مبارک امام مهدی(ع) را آورده باشد وجود ندارد ولی آیات بسیاری است که به شهادت روایات مستند و معتبر، درباره حضرت

مهدی(ع) و قیام جهانی او نازل گردیده است؛ قرآن مجید نیز نسبت به این موضوع اهتمام ویژه ای داشته و اراده و خواست خداوند متعال را بر این می داند که دوران حکومت طاغوت به پایان رسد و بساط پیروان او برچیده شود و حتماً تمام بندگان صالح خداوند در همه جای زمین به حکومت رسند و سراسر گیتی به آنان سپرده شود تا قوانین اسلام به طور کامل و همه جانبه تطبیق و اجرا و سعادت افراد بشر تضمین و تامین گردد و هدف نهایی از زندگی تحقق پذیرد. بیش از صد آیه از آیات قرآن به مسأله مهدویت تفسیر شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

سیمای امام زمان در قرآن

۱. منذر و هادی: دو ویژگی های امام مهدی(ع) یکی «منذر» و دیگر «هادی» در یک آیه ذکر شده است. منذر بودن یعنی: ترساندن و بیم دادن مردم از خطرات حتمی دنیوی و اخروی که بر آثار اعمال و رفتار هر کسی مترتب می شود و دیگری هادی یعنی: راهنما و رهبر و هدایتگر است.

از نظر قرآن کریم، در طول تاریخ زندگی بشر، هیچ گاه زمین از حجت خدا خالی نبوده و خداوند برای هر امتی فردی مناسب را برگزیده تا انسان ها را در راه رسیدن به کمال مطلوب رهنمون باشند؛ چنان که خداوند سبحان فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (الرعد، ۱۳/ ۷)؛ «به درستی که تو بیم دهنده ای و برای هر جامعه راهنمایی هست».

پس همواره یک بیم دهنده و هدایتگر در جوامع انسانی حضور دارد که از جانب خدا برگزیده شده است. امام صادق(ع) در تفسیر آیه یاد شده فرمود: «و فی کل زمان إمام منّا یهدیهم إلی ما جاء به رسول اللّٰه (ص)؛ در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول اللّٰه آورده [دین اسلام] هدایت می کند».^{۱۰}

از مجموع این آیه و روایت، ضرورت وجود حجت الهی به عنوان هدایتگر در هر عصر، به خوبی فهمیده می شود.

دلیل دیگر بر ضرورت وجود امام معصوم در جامعه این است که قرآن مبین و مفسر لازم دارد و به جز امام معصوم کسی به تمام معانی و خصوصیات آیات قرآن از محکمت و متشابهات آگاه نیست. پس به حکم عقل قطعی پس از رسول(ص)، امام معصوم(ع) لازم

است. ۱۱.

امامان معصوم (ع) مایه آرامش و امنیت هستی و واسطه فیض الهی اند و نعمات و برکات خداوند متعال به واسطه آنها و به یمن حضورشان به انسان ها داده می شود، که اگر لحظه ای برکت وجودشان نباشد، زمین اهلش را فرو می برد. به مقوله لزوم وجود همیشگی رهبر آسمانی بر می خوریم.

اما این که مصداق این امام معصوم کیست و چه هویتی دارد، روایات فراوانی وارد شده که بیان می دارند این فرد امام مهدی (ع) فرزند امام حسن عسکری (ع) است.

۲. غیب: یکی از اصول دین، ایمان و اعتقاد به وجود پربرکت امام زمان (ع) بوده و از مصادیق ایمان به غیب شمرده می شود.

در سوره بقره: «الْم *ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ *الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ...» (البقرة، ۱-۳).

امام صادق (ع) در ذیل این آیه فرمودند: «متقین شیعیان علی (ع) هستند و غیب همان حجت غائب است». ۱۲.

صاحب تفسیر نمونه، در ذیل آیه سوم سوره بقره: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» می فرماید: یکی از مصادیق «غیب» که در آیه شریفه آمده است و مسلمانان را نسبت به ایمان به آن ترغیب می کند، ایمان به امام زمان (ع) می داند. ۱۳.

۳. حسن: درباره آیه: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۴/۶۹)؛ «از امام صادق (ع) نقل شده که مقصود از نبیین رسول خدا، و صدیقین، علی و شهداء، حسن و حسین و صالحین، ائمه و مقصود به «حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» قائم از آل محمد علیهم الصلاة والسلام است. ۱۴.

۴. منصور: آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (الإسراء، ۱۷/۳۳)؛ «و هر آن که مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم، پس مبادا در کشتن اسراف کند که او منصور است».

وقتی از امام صادق (ع) درباره این آیه سؤال شد، آن حضرت در جواب فرمودند: «آن قائم آل محمد (ص) است که خروج می کند و به انتقام خون حسین (ع) دشمنان را می کشد.

پس چنانچه اهل زمین را به قتل رساند مسرف نخواهد بود».^{۱۵}

۵. بقیة الله: آیه شریفه: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود، ۸۶/۱۱)؛ «یکتا بازمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید».

امام باقر(ع) در تأویل این آیه شریفه می فرماید: «هنگامی که مهدی(ع) ما ظاهر شود به خانه کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ تن از یاران خاص او به دورش گرد می آیند. او اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است سپس می فرماید: من بقیة الله، خلیفة الله و حجت الله هستم بر شما آنگاه احدی بر آن حضرت سلام نمی کند جز این که می گوید «السلام عليك يا بقیة الله فی الأرض؛ سلام بر تو ای بازمانده خداوند در زمین». بعد از آن چون یاران دیگر حضرت که گروهی ده هزار نفری هستند به دور او گرد می آیند، یهودی و نصرانی و کسی که غیر از خدای تعالی را پرستش می نموده، باقی نمی ماند جز این که ایمان می آورند و او را تصدیق می نمایند و همه ملت های یکی می شود، و آن هم ملت اسلام است، و پس از آن برای هر معبودی که به جز خدای تعالی مورد پرستش بوده، آتشی از آسمان می آید و او را می سوزاند».^{۱۶}

۶. مهدی: امام(ع) هدایت یافته است و باعث هدایت مردم می شود قرآن می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ افْتَدَى» (الأنعام، ۹۰/۶)؛ «اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن».

۷. ماء معین؛ آب روان: از القاب حضرت مهدی(ع) و به معنای آب روان در زمین است. در قرآن آمده است: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک، ۳۰/۶۷)؛ «بگو اگر آب های سرزمین شما فرو رفت، چه کسی برای شما آب روان می آورد؟».

معنای باطنی و محتوای کلی در روایات معصوم روشن می شود که مربوط به امام زمان است. در مورد این آیه از امام رضا(ع) درباره این آیه سؤال شد، حضرت فرمودند: «مأوکم؛ یعنی: أبوابکم». «که مراد از آن امامان هستند که هر کدام أبواب علم الهی بین او و خلق اویند»^{۱۷}. بنابراین «مأوکم» یعنی: علوم أئمه و أئمة أبواب علم الهی هستند و در نتیجه مراد از «ماء معین» نیز علم أئمه است.^{۱۸}

اگر هر کدام از این درهای رحمت الهی بسته شود، سرچشمه حیات معنوی انسان

بسته می شود. امام محمد باقر (ع) نیز در تأویل آیه محل بحث می فرماید: این آیه درباره امام قائم (ع) نازل شده است. می گوید: «اگر امامتان از شما غایب گردد و ندانید کجاست چه کسی برای شما امام می فرستد که اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیاورد». سپس فرمود: «سوگند به خدا، تأویل این آیه نیامده و سرانجام خواهد آمد». ۱۹ همان طور که آب رحمت الهی و مایه حیات مادی انسان ها است و بدون آب نمی توان زندگی کرد، امامان معصوم (ع) نیز رحمت خداوند و وسیله ای برای وجود حیات روحانی انسان ها و سلامت جامعه اند. آب وسیله ای برای زدودن پلیدی های درونی و شرک و جهل و گناه اند. آب با فرو رفتن در زمین در آن ذخیره می شود تا با برنامه ریزی دقیق موجودات زنده از آن بهره مند شوند. حضرت مهدی (ع)، نیز با غیبت خود ذخیره ای برای جهانیان است تا با ظهور خود در موقع مناسب، دنیا با بهره گیری از وجودشان، راه تکامل و معنویت را پیش بگیرد و مردم به سعادت برسند.

۸. راسخ در علم: آیه: «فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران، ۷/۳)؛ «پیروی کنند آنچه را از آن متشابه باشند برای فتنه جویی و جستجوی از تاویل آن و نمی داند تاویلش را جز خدا و راسخون در علم». رسوخ در لغت عرب به معنای «ثبوت» و «نفوذ» است و مقصود از آن این است که علم و آگاهی انسان ریشه و اصالت داشته باشد. امام صادق (ع) فرمودند: «نحن الراسخون في العلم و نحن نعلم تأويله؛ ما راسخان در علم می باشیم و ما از تاویل «متشابه» قرآن آگاهیم». ۲۰

بنابراین کسانی که با روش پیشوایان در تفسیر آیات قرآنی آشنا هستند، به خوبی می دانند که روش آنان تطبیق مفاهیم کلی به مصادیق ممتاز و یا فراموش و نادیده گرفته شده است، البته آن هم نه از باب انحصار بلکه از باب تطبیق کلی بر مصادیق ممتاز و درخشنده خود.

۹. رضوان الله: آیه: «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (آل عمران، ۱۶۲/۳)؛ «آیا کسی که در پی خشنودی خداست مانند کسی است که می انگیزد خشم خدا را و جاییش دوزخ است و چه بد بازگشت گاهی است». زید شحام گوید: در شب جمعه امام صادق (ع) به من فرمود: «قدری قرآن بخوان». خواندم.

حضرت فرمود: «به خدا ما هستیم که خدا به ما ترحم کند و به خدا ما هستیم که خدا استثناء کرد ولی مافایده به حال آن دوستان خود داریم».

۱۰. حق: آیه شریفه: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (الإسراء، ۱۷ / ۸۱)؛ «و بگو که حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محو شدنی و سزاوار نابودی است».

در بعضی از روایات جمله: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» به قیام حضرت مهدی (ع) تفسیر شده است هنگامی امام باقر (ع) فرمود: «مفهوم این سخن الهی این است که: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ هنگامی که امام قائم (ع) قیام کند دولت باطل برچیده می شود». در روایت دیگری می خوانیم: مهدی (ع) به هنگام تولد بر بازویش این جمله نقش بسته بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».^{۲۱}

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «اذا قام القائم (ع) ذهب دولة الباطل؛ هرگاه قائم (ع) بیاخیزد، دولت باطل از بین می رود [و زایل می گردد]»^{۲۲}. و آیه ۸۳ از سوره آل عمران «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» مطابق روایتی از امام صادق (ع) بر قیام حضرت قائم (ع) تطبیق شده است.^{۲۳}

۱۱. احیاء گر زمین: آیه مبارکه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حدید، ۵۷ / ۱۷)؛ «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن آن زنده خواهد کرد».

از امام باقر (ع) درباره این آیه نقل شده است که فرمود: «خداوند عز و جل زمین را به وسیله حضرت قائم (ع) زنده می کند، پس از مردن آن».^{۲۴}

۱۲. دعاگوی - دعاکننده و دادخواه - : ذات مقدس حضرت مهدی (ع) همواره در حال دعا و راز و نیاز با پروردگار است. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» (النمل، ۲۷ / ۶۲)؛ «آیا آن کیست که دعای مضطر را هنگامی که او را می خواند به اجابت می رساند و رنج و غم را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟».

از امام باقر (ع) درباره این آیه نقل شده است که فرمودند: «این آیه درباره قائم از آل محمد (ص) نازل شده، هرگاه که خروج کند معمم می شود و در کنار مقام نماز گذارد و به درگاه پروردگارش تضرع نماید، پس هیچ پرچمی از او رد نشود».^{۲۵}

۱۳. ناظر اعمال: در مورد عرضه اعمال بر امام زمان (ع)؛ قرآن می فرماید: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (التوبة، ۹/۱۰۵)؛ [ای پیامبر] بگو: عمل کنید و بدانید که خدا و پیامبرش و مؤمنین عمل شما را خواهند دید! و به زودی به سوی خدایی که دانا به غیب و آشکار است برگردانده خواهید شد و خودتان هم نسبت به آنچه انجام می دهید آگاهی خواهید یافت». این آیه یکی از آیاتی است که نشان می دهد که امام زمان (ع) شاهد بر اعمال ما هستند و روایات و احادیث معصومین (ع) بر این قضیه اتفاق دارند که منظور از «مؤمنون» در آیه معصومین هستند که اعمال ما را می بینند.

برای نمونه چند روایتی را که در این باب ذکر شده است را بیان می کنیم:

امام رضا (ع) خطاب به یکی از شیعیان فرمودند: «وَاللَّهِ أَنْ أَعْمَالَكُمْ لَتَعْرَضَ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ؛ به خدا سوگند، اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود». در حدیث دیگری از ایشان چنین آمده است: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ «به خدا قسم که منظور از «الْمُؤْمِنُونَ»، علی بن ابی طالب است».^{۲۶}

علمای اهل سنت برای فرار از این مطلب گفته اند که منظور از اعمال همان اعمال عادی است که افراد جامعه آن را می بینند! و کلمه «الْمُؤْمِنُونَ» که در این آیه آمده است همان مؤمنان عادی هستند نه معصومین و...!!! ولی طبق قرائن و شواهدی که در خود آیه شریفه آمده است این سخن نادرست است.

قرینه اول: آیه اطلاق دارد، و تمام اعمال را شامل می شود و می دانیم که همه اعمال از طرق عادی بر پیامبر اسلام (ص) و مؤمنان آشکار نخواهد شد، چرا که بیشتر اعمال خلاف در پنهانی و به طور مخفیانه انجام می شود و در پرده استتار غالباً پوشیده می ماند، و حتی بسیاری از اعمال نیک مستور و مکتوم چنین است. و اگر ما ادعا کنیم که همه اعمال اعم از نیک و بد و یا غالب آنها بر همه روشن می شود سخنی بسیار گزاف گفته ایم. بنابراین آگاهی پیامبر (ص) و مؤمنان از اعمال مردم باید از طرق غیر عادی و به تعلیم الهی باشد.

قرینه دوم: در پایان آیه می خوانیم: «فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ «خداوند شما را در قیامت به آنچه عمل کرده اید آگاه می سازد» شک نیست که این جمله تمام اعمال آدمی را اعم از مخفی و آشکار شامل می شود، و ظاهر تعبیر آیه این است که منظور از عمل در

اول و آخر آیه یکی است، بنا بر این آغاز آیه نیز همه اعمال را چه آشکار باشد چه پنهان باشد شامل می شود، و شک نیست که آگاهی بر همه اینها از طرق عادی ممکن نیست. به تعبیر دیگر پایان آیه از جزای همه اعمال سخن می گوید، آغاز آیه نیز از اطلاع خداوند و پیامبر و مؤمنان نسبت به همه اعمال بحث می کند، یکی مرحله آگاهی است، و دیگری مرحله جزا، و موضوع در هر دو قسمت یکی است.

قرینه سوم: تکیه روی مؤمنان در صورتی صحیح است که منظور همه اعمال و از طرق غیر عادی باشد، و إلا اعمال آشکار را هم مؤمنان می بینند و هم غیر مؤمنان. پس معلوم می شود که منظور از مؤمنان افراد خاصی می باشند «معصومین» که از طریق علوم الهی و با خواست خدا اعمال بندگان را می بینند.

۱۴. داعی الله: داعی دو معنی دارد: یکی دعاکننده و دوم، دعوت کننده؛ آن حضرت در مقام داعی مردم را به سوی حق می خواند و هر دوی این صفات هم در زمان ظهور و هم در عصر غیبت توسط آن حضرت ایفا می شود. داعی کسی است که اقدام به انجام کار دعوت می کند و حامل بار سنگین دعوت اسلامی با هدف رساندنش به مردم می باشد. داعی الله از صفات امام زمان (ع) است. داعی اسم فاعل و به معنای دعوت کننده و خواننده می باشد

در قرآن در مورد یکی از اوصاف پیامبر اکرم (ص) آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (الأحزاب، ۳۳/ ۴۵-۴۶) و پس از رحلت ایشان این وظیفه مهم بر عهده جانشین وی می باشد و در زمان امام عصر (ع) ایشان این امر خطیر را برعهده دارند.

و همچنین در زیارت آل یس آمده است: «السلام عليك يا داعي الله و رباني آياته...؛ سلام بر تو ای خواننده خلق به سوی حق، و ای پرورش گر آیات خدا» و در یکی از فرازهای زیارت جامعه می خوانیم: «السلام على الأئمة الدعاة؛ سلام بر شما امامان دعوت کننده» ائمه جمع امام است، و دعاة جمع داعی.

در این فراز کلمه ائمه به صورت مطلق بیان شده است ذکر ائمه دعاة از آن روست که ائمه نه تنها افراد را به سوی شریعت - خدا شناسی - دعوت می کنند و برای شریعت برنامه دارند، بلکه برای تمام امور زندگی بشری برنامه هایی جهت رشد و کمال انسان دارند.

مثلاً در مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... حتی نسبت به ریزترین نکات زندگی بی توجه نبوده اند. ائمه اطهار هم در رابطه با خمس، زکات به عنوان مسائل اقتصادی و هم در رابطه با ارتباط با کارفرما و کارگر و یا معلم و شاگرد به عنوان مسائل اجتماعی و هم در رابطه با مسائل خانوادگی رابطه زن و شوهر فرزند و والدین برنامه های خاصی را تبیین کرده اند. البته انواع دعوت های ائمه به حق ختم می شود.

آنچه شایان ذکر است این است که صفت داعی در بطن امامت نهفته است به این معنا که امام کسی است که مردم را از نفس به حق دعوت می کند. امام به معنای جلو دار است، امام جلو داری است که ماموم را به دنبال خود می برد. جلو داری که دعوت کننده ما به حق است، و این جلو داری به امر حق است نه به امر مردم.

نکته ای که در این صفت قابل توجه است این است که مقام داعی الهی بیش از هر امامی به حضرت صاحب الامر^(ع) تعلق دارد. چرا که عمر آن حضرت و زمان امامت ایشان طولانی تر از بقیه اجداد طاهربینش می باشد. بنابراین آن حضرت بیش از اجدادش به دعوت به سوی خداوند پرداخته است.

نکته دیگر آن که، هیچ کس نمی تواند دعوت کننده به سوی حق باشد، مگر آن که از جهل و خطا مصون باشد. در ضمن داعی باید عالم به عملش باشد و الا نمی تواند خواننده مردم به سوی خداوند باشد. مگر می شود فردی به سمت چیزی دعوت کند که از آن نمی داند؟ بنابراین لازمه داعی الله بودن آن است که فرد، مقام عصمت و علم و آگاهی را داشته باشد.

روز قیام امام زمان

۱. یوم الله: در قرآن آمده: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (ابراهیم، ۱۴/۵).

از امام باقر^(ع) روایت است که فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ^(ع) وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ روزهای خدا سه تا است: روزی که قائم^(ع) قیام خواهد کرد، و روز رجعت و روز قیامت» ۲۷.

۲. یوم وقت المعلوم: آیه شریفه: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ

الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَعْتِ الْمَعْلُومِ » (الحجر، ۱۵/ ۳۶-۳۸).

از امام صادق (ع) درباره این آیه و وقت معلوم سوال شد. آن حضرت در جواب فرمودند: «وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد (ص) است. هرگاه خداوند او را برانگیزد در مسجد کوفه ابلیس می آید در حالی که بر زانوهایش راه می رود و می گوید: ای وای از این روزگار، آن گاه با پیشانیش گرفته شده، گردنش زده می شود، آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می رسد».^{۲۸}

۳. یوم الدین: آیه: «وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ» (المعارج، ۲۶/۷۰) از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «به خروج قائم (ع)».^{۲۹}

سیمای فرهنگی حکومت امام زمان (ع)

رشد عقلی در عصر ظهور: در زمان حضرت مهدی (ع) با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می شود و همه آنان هدایت می یابند و به سر منزل مقصود [کمال] می رسند.

خداوند در مورد یکی از حکمت های نبوت می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (الأعراف، ۱۵۷/۷)؛ «هم آنان که پیروی کنند از آن رسول [ختمی] و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست [نام و نشان و اوصاف] او را نگاهشته می یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می گرداند، و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده اند از آنان برمی دارد [و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می آورد]. پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند». در این آیه منظور از زنجیر و مشقت بندها و زنجیرهای مادی نیست بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم (ص) با

هدایت‌ها و تلاش‌های فراوان فرهنگی آن را از انسان‌ها برطرف ساخت. در عین حال از هدایت‌های تکوینی ویژه نیز استفاده نمود و در دل و جان مشرک و فاسد نفوذ معنوی داشت و تأثیرات عمیقی بر آنان گذاشت.

امام باقر فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رِءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عَقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»^{۳۰}. براساس این روایت عقول و افکار مردم متمرکز و شکوفا و اخلاق آنان کامل می‌شود. مقصود از دست در این جا دست هدایت و شفقت الهی بر بندگان است.

سیمای سیاسی حکومت امام زمان (ع)

۱. سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی (ع): قرآن کریم در زمینه ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر بدون این که وارد جزئیات شود، به صورت کلی و اصولی بحث کرده است؛ یعنی: از تشکیل حکومت عدل جهانی، و پیروزی کامل و نهائی صالحان در روی زمین سخن گفته است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، به استناد مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به حضرت مهدی و ظهور و قیام او دانسته‌اند.^{۳۱}

ما از مجموع آیات قرآنی که دانشمندان آنها را ناظر به این موضوع دانسته‌اند و صراحت بیشتری دارند، جهت رعایت اختصار، سه آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۱۰۵)؛ «ما، در [کتاب] زبور پس از تورات نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد».

در توضیح معنای این آیه یاد آوری می‌کنیم که: «ذکر» در اصل به معنای هر چیزی است که مایه تذکر و یاد آوری باشد ولی در آیه یاد شده به کتاب آسمانی حضرت موسی (ع) یعنی: «تورات» تفسیر گردیده است به قرینه این که قبل از زبور معرفی شده است.

طبق تفسیر دیگری، «ذکر» اشاره به قرآن مجید است. زیرا که در خود آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (التکویر، ۸۱/۲۷) بنابراین، کلمه «من بعد» به معنای «علاوه بر» بوده و معنای آیه چنین خواهد بود: «ما، علاوه بر قرآن، در

زبور نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد». مرحوم شیخ مفید در آغاز فصل مربوط به حضرت مهدی (ع) به این آیه و آیه بعدی که نقل می کنیم، استناد کرده است. ۳۲

در تفسیر این آیه از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «این بندگان صالح، همان یاران مهدی در آخر زمانند». ۳۳

مفسر برجسته قرآن، مرحوم «طبرسی» در تفسیر آیه مزبور پس از نقل حدیث یاد شده می گوید: حدیثی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده اند، بر این موضوع دلالت دارد: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی صالح از خاندان مرا بر انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». ۳۴

اشاره قرآن به پیش گویی حکومت بندگان شایسته خداوند در روی زمین در کتاب تورات و زبور، نشان می دهد که این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در کتب آسمانی پیامبران پیشین یکی پس از دیگری مطرح می شده است.

قابل توجه این است که عین این موضوع در کتاب «مزامیر داود» که امروز جز کتب عهد قدیم «تورات» است و مجموعه ای از مناجات ها و نیایش ها و اندرزهای داود پیامبر (ع) است، به تعبیرهای گوناگون به چشم می خورد. از جمله در مزمور ۳۷ می خوانیم: ... شریران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، و حال اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد.

و همچنین در همان مزمور چنین می خوانیم: ... متبرکان [خداوند] وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. ۳۵

۲. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأَوْلَادِينَ» (القصص، ۲۸/۵)؛ «اراده کرده ایم که بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] قرار دهیم».

امیر مؤمنان (ع) پس از پیشگویی بازگشت و گرایش [مردم] جهان به سوی خاندان وحی، این آیه را تلاوت فرمود. ۳۶

محمد بن جعفر، یکی از علویان، در زمان مأمون بر ضد خلافت عباسی قیام کرد. او می گوید: روزی شرح گرفتاری ها و فشارهایی را که با آنها روبرو هستیم، برای مالک بن انس نقل کردم. او گفت: صبر کن تا تأویل آیه: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...» آشکار گردد. ۳۷

۳. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (النور، ۲۴/۵۵)؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را خلیفه روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید؛ و دین و آیینی را که خود برای آنان پسندیده استقرار خواهد بخشید و بیم و ترس آنان را به ایمنی و آرامش مبدل خواهد ساخت [آن چنان که] مرا می پرستند و چیزی را برای من شریک قرار نمی دهند».

مرحوم «طبرسی» در تفسیر این آیه می گوید: از خاندان پیامبر روایت شده است که این آیه درباره آل محمد (ص) نازل شده است.

عیاشی از حضرت علی بن الحسین (ع) روایت کرده است که این آیه را خواند و فرمود: «به خدا سوگند آنان شیعیان ما خاندان پیامبر هستند. خداوند این کار را در حق آنان به دست مردی از ما به انجام می رساند و او مهدی این امت است. او همان کسی است که پیامبر (ص) درباره او فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم او اسم من [محمد] است، او زمین را از عدل و داد پر می سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». طبرسی می افزاید: این معنا در تفسیر آیه مزبور از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز روایت شده است. ۳۸

۲. وعده ی قرآن؛ غالب شدن امام زمان: خداوند متعال در قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (الصف، ۶۱/۹؛ التوبة، ۹/۳۳)؛ «خدا فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه دین ها غالب شود. هر چند مشرکین نخواهند».

منظور از هدایت دلائل روشن و براهین آشکاری است که در آئین اسلام وجود دارد و

منظور از دین حق همین آئینی است که اصولش حق و فروعش نیز حق و بالأخره تاریخ و مدارک و اسناد و نتیجه و برداشت آن نیز حق است و بدون شک آئینی که هم محتوای آن حق باشد و هم دلائل و مدارک و تاریخ آن روشن، باید سرانجام بر همه آئین ها پیروز گردد.

با گذشت زمان، و پیشرفت علم و دانش، و سهولت ارتباطات، واقعیت ها چهره خود را از پشت پرده های تبلیغات مسموم به در خواهد آورد و موانعی را که مخالفان حق بر سر راه آن قرار می دهند در هم کوبیده خواهد شد، و به این ترتیب آئین حق همه جا را فرا خواهد گرفت هر چند دشمنان حق نخواهند و از هیچگونه کار شکنی مضایقه نکنند، زیرا حرکت آنها حرکتی است بر خلاف مسیر تاریخ و بر ضد سنن آفرینش!

دو نکته در این آیه است که بایستی بدان اشاره کرد:

۱. منظور از هدایت و دین حق چیست؟: قرآن در آیه فوق می گوید: «أَرْسَلْ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» گویا اشاره به دلیل پیروزی اسلام بر همه ادیان جهان است زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر (ص) هدایت بود و عقل در هر مورد به آن گواهی داد، و نیز هنگامی که اصول و فروعش موافق حق و طرفدار حق و خواهان حق بود چنین آئینی طبعاً بر همه آئین های جهان پیروز می گردد.

از یکی از دانشمندان «هند» نقل شده که مدتی در ادیان مختلف جهان مطالعه و بررسی می کرد عاقبت پس از مطالعه بسیار اسلام را انتخاب کرد و کتابی به زبان انگلیسی تحت عنوان «چرا مسلمان شدم؟» نوشت و مزایای اسلام را نسبت به همه ادیان در آن روشن ساخت.

از مهمترین مسائلی که جلب توجه او را کرده این است که می گوید: «اسلام تنها دینی است که تاریخ ثابت و محفوظ دارد، او تعجب می کند که چگونه اروپا آئینی را برای خود انتخاب کرده است که آورنده آن آئین را از مقام یک انسان برتر برده و خدایش قرار داده است در حالی که هیچگونه تاریخ مستند و قابل قبولی ندارد.

مطالعه و بررسی در اظهارات کسانی که اسلام را پذیرفته و آئین سابق خود را ترک گفته اند نشان می دهد که آنها تحت تاثیر سادگی فوق العاده و مستدل بودن و استحکام اصول و فروع این آئین و مسائل انسانی آن واقع شده اند مسائلی که از هر گونه خرافه

پیراسته است و نور «حق» و «هدایت» از آن جلوه گر است. ۳۹

۲. غلبه منطقی یا غلبه قدرت؟ در این که اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می گردد و این پیروزی به چه شکل خواهد بود؟ در میان مفسران گفتگو است. بعضی این پیروزی را تنها پیروزی منطقی و استدلالی دانسته اند و می گویند این موضوع حاصل شده است، زیرا اسلام از نظر منطق و استدلال قابل مقایسه با آئین های موجود نیست.

ولی بررسی موارد استعمال ماده «اظهار» «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ...» در آیات قرآن نشان می دهد که این ماده بیشتر به معنای غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است چنان که در داستان اصحاب کهف می خوانیم: «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ» (الکهف، ۱۸/۲۰)؛ «اگر آنها [دقیانوس و دار و دسته اش] بر شما غالب شوند، سنگ سارتان می کنند». و نیز در باره مشرکان می خوانیم: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً» (التوبة، ۸/۹)؛ «هر گاه آنها بر شما چیره شوند نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می کنند و نه عهد و پیمان را».

بدیهی است غلبه در این گونه موارد غلبه منطقی نیست، بلکه غلبه عملی و عینی است به هر حال صحیحتر این است که پیروزی و غلبه فوق را، غلبه همه جانبه بدانیم زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می باشد، یعنی: روزی فرا می رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان از امام باقر^(ع) در تفسیر این آیه چنین نقل می کند: «إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ (ص)؛ وعده ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل «محمد» صورت می پذیرد، در آن روز هیچکس در روی زمین نخواهد بود مگر این که اقرار به حقانیت محمد (ص) می کند».

و نیز در همان تفسیر از پیامبر اسلام (ص) چنین نقل شده که فرمود: «لا يبقى على ظهر الأرض بيت مدر ولا وبر إلا أدخله الله كلمة الإسلام؛ بر صفحه روی زمین هیچ خانه ای باقی نمی ماند نه خانه هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه هایی که از کرک و مو بافته اند مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد می کند!». و نیز در کتاب «کمال الدین» «صدوق» از امام صادق^(ع) در تفسیر این آیه چنین نقل شده: «والله ما نزل

تأویلها بعد و لا ینزل تأویلها حتی یخرج القائم فإذا خرج القائم لم یبق کافر باللّه العظیم؛ به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند».^{۴۰}

۳. عدالت در عصر ظهور: امام زمان با ابزار و شیوه های مختلفی عدالت فراگیر را محقق می سازد. اولین اقدام و راه پیامبران برای ایجاد قسط و عدل کار فرهنگی و روشنگری است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ» امام با اقدامات گسترده فرهنگی و تربیتی به رشد فکری و اخلاقی جامعه دست می زند و جامعه مرده را احیا می فرماید «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ» ایشان به کمک آموزه ای متعالی قرآن و دستورات عدالت محور اسلام به اداره حکومت جهانی می پردازد و با قوانین و سره عادلانه جهان را آکنده از عدل و داد می کند. در مرحله سوم از قدرت سلاح و نیروی نظامی با تعبیر «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» یاد کرده است. و امام با شدت تمام به مقابله ستمگران می پردازد و ریشه ظلم و ستم را بر می اندازد.

امام باقر(ع) با توجه به اهمیت سه عنصر فوق برای ایجاد عدالت می فرماید: امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست، از ماست.^{۴۱}

نتیجه گیری

قرآن کریم برای معرفی شخصیت های الهی از سه راه وارد می شود، و در هر موردی طبق مصالحی از شیوه خاصی پیروی می کند. گاهی معرفی با اسم، گاهی معرفی با عدد، و گاهی نیز معرفی با صفت. اگر نام حضرت مهدی(ع) در قرآن نیست، ولی صفات و خصوصیات حکومت او در قرآن وارد شده است.

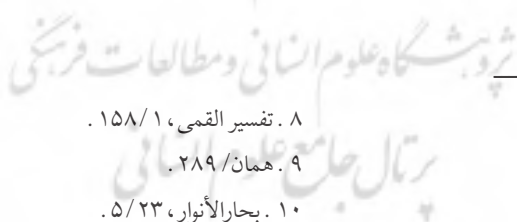
اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر می گیرد. گاهی مصالح ایجاب می کند تنها به صفات افراد پردازد، چنان که درباره حضرت مهدی(ع) جریان از این قرار است که:

اولاً: تشکیل چنین حکومتی، در مواردی صریحاً و در موارد دیگر به طور اشاره در

قرآن وارد شده است. آیاتی که در سوره «توبه» و «صف» از انتشار و گسترش اسلام در سطح جهانی نوید می دهد، مانند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی: تا آن را بر همه ادیان پیروز سازد، اشاره به تشکیل این حکومت است. زیرا مفسران گویند: مضمون این آیه را که پیشگویی از گسترش فراگیر و همه جانبه اسلام در سطح جهان است، هنوز تحقق نپذیرفته است.

از این گذشته، در آیه ۱۰۶ سوره انبیاء می فرماید: «ما پس از ذکر، در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من، وارث زمین خواهند بود». آیه شریفه نوید می دهد که صالحان، وارثان زمین خواهند بود و حکومت جهان را به دست خواهند گرفت. و به اتفاق تاریخ بشر، هنوز این وعده الهی تحقق نپذیرفته است.

ثانیا: اگر نام اصلی امام زمان (ع) را نبرده، به خاطر مصلحتی است که برای اهل فضل و درک مخفی نمی باشد، زیرا به همان علت که نام امام علی (ع) را نبرده، نام آن حضرت را نیز ذکر ننموده است. اگر نام این پیشوایان گرامی را می برد، کینه های دیرینه - بدر و احد و حنین - بار دیگر زنده می شد، و لذا مطلب را به صورت کلی مطرح کرده و فرموده است: «بندگان شایسته من، وارث زمین خواهند بود». نام بردن از گذشتگان؛ مانند لقمان و ذی القرنین، قابل قیاس با افراد آینده نیست، درباره گذشتگان، حسدها و کینه ها تحریک نمی گردد، و افراد سودجو و شهرت طلب نمی توانند از آن سوء استفاده کنند، ولی بردن نام آیندگان این محظور را دارد.



۱. فرهنگ، فارسی معین.
۲. تهذیب اللّغة، ماده «أول».
۳. مقایس اللّغة، ماده «أول».
۴. النّهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ماده «أول»
۵. ن. ک: الأکلیل فی المتشابه و التّأویل «ابن تیمیّه» / ۱۵؛ ۱۲. کمال الدین و تمام النعمه، ۲/ ۳۴۰.
- المیزان، ۳/ ۲۵ و ۴۵؛ تلخیص التمهید «معرفت»، ۱۳. تفسیر نمونه، ۱/ ۷۳.
۱۴. تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۴۲.
۱۵. جامع البیان، ۶/ ۲۵.
۱۶. همان، ۲۹/ ۲.
۸. تفسیر القمی، ۱/ ۱۵۸.
۹. همان، ۲۸۹/ ۲.
۱۰. بحار الأنوار، ۲۳/ ۵.
۱۱. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ۳/ ۳۹.
۱۲. کمال الدین و تمام النعمه، ۲/ ۳۴۰.
۱۳. تفسیر نمونه، ۱/ ۷۳.
۱۴. تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۴۲.
۱۵. کامل الزیارات / ۶۳؛ عیون أخبار الرضا / ۱۵۱.
۱۶. بحار الأنوار، ۲/ ۱۹۲.

۱۷. همان، ۲۴/ ۱۰۰ .
۱۸. تفسیر صافی، ۲/ ۷۲۷ .
۱۹. تفسیر نورالثقلین، ۵/ ۳۸۷ .
۲۰. کافی، ۱/ ۲۱۳ .
۲۱. نور الثقلین، ۳/ ۲۱۲-۲۱۳ .
۲۲. روضة کافی، ۸/ ۲۸۷ .
۲۳. تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۸۳ .
۲۴. کمال الدین و تمام النعمة، ۲/ ۶۶۸ .
۲۵. تفسیر القمی، ۲/ ۲۰۵ .
۲۶. تفسیر نمونه، ۸/ ۱۲۴ .
۲۷. الخصال «صدوق» / ۱۰۸؛ معانی الاخبار / ۳۶۵ .
۲۸. تفسیر العیاشی، ۲/ ۲۴۲ .
۲۹. روضة کافی / ۲۸۲ .
۳۰. بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۰۹ .
۳۱. خورشید مغرب «حکیمی» / ۱۴۰-۱۵۱ .
۳۲. الارشاد / ۳۴۶ .
۳۳. مجمع البیان، ۷/ ۶۶ .
۳۴. همان / ۶۷ .
۳۵. ترجمه تورات «ولهم کلن فسئس اکتی» / چاپ لندن / ۱۰۳۰ .
۳۶. شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد، ۱۹/ ۲۹؛ «حکمت ۲۰۵» .
۳۷. مقاتل الطالبین / ۳۵۹ .
۳۸. مجمع البیان، ۷/ ۱۲۵ .
۳۹. تفسیر نمونه، ۷/ ۳۷۱ .
۴۰. نورالثقلین، ۲/ ۲۱۱ .
۴۱. چشم اندازی به حکومت مهدی «طوسی» / ۱۷۸ .

